

مطالعات فرهنگ عامه و ابوریحان بیرونی

دکتر هدی عرب زاده

استادیار دانشگاه ولایت ایرانشهر

ابوریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی (362-440 ه.ق)، اندیشمندی است که به واسطه مطالعاتش در حوزه علمی نظیر ریاضی، نجوم، فرهنگ و... چهره ای جهانی قلمداد می شود. میراثی که بیرونی حدود هزار سال پیش از این، برای فرهنگ بشری به یادگار گذاشته است، همچنان ارزش بازبینی و مطالعه را دارد. در این بین، مطالعات وی در مسائل فرهنگی از اهمیت شایانی برخوردار است. بیرونی در اثر معروف خود به نام تحقیق *ماللهند* (کتاب ال‌هند)، ضمن به تصویر کشیدن اوضاع علوم و معارف هندی در شاخه هایی چون نجوم، تاریخ و جغرافیا و... به عمده ترین مصادیق فرهنگی هندیان آن روزگار نیز پرداخته است. در زمینه فرهنگ، وی علاوه بر توصیف آراء و عقاید هندوان در مذهب، آداب و رسوم و قوانین دینی و اجتماعی و افکار فلسفی و عرفانی را نیز مورد توجه و مذاقه قرار داده است. این گستره، بستر خوبی برای ارزیابی تلقی ابوریحان از فرهنگ عامه، پیش روی محققان می گشاید.

این در حالی است که در سده اخیر با انبوهی از نظریات در حوزه فرهنگ عامه روبرو می شویم که یکی از مهم ترین ویژگی های آن، این است که این نظریات تنها به آراء یک یا دو اندیشمند وابسته نیست، بلکه گروهی از متفکران حوزه گسترده فرهنگ در این خصوص نظریاتی را ابراز داشته اند و برای درک یک نظریه، ناگزیر از مراجعه به آراء متعدد درباره نظریه مذکور هستیم. اینک پس از گذشت یک سده، زمانه نقد بسیاری از این نظریات رسیده است کما اینکه بسیاری از نظریات که جنبه انتقادی نسبت به نظریات فرهنگ عامه داشته اند خود در قالب یک نظریه درآمده است.

در مقاله حاضر، سعی نگارنده بر آن است تا به طرح یکی از نظریات فرهنگ عامه یعنی «نظریه فرهنگ توده ای» بپردازد و البته به عمده ترین انتقادهایی که به آن وارد است، نیز اشاره ای می شود، سپس با توجه به متن تحقیق ماللهند بیرونی، روش او در مطالعه فرهنگ هند، مورد مذاقه قرار می گیرد. بیان نظرات محققان متأخر فرهنگ عامه در کنار آراء بیرونی، متضمن این معنا نیست که نگارنده معتقد به مقایسه نوع تفکر اندیشمندی متعلق به هزار سال پیش از این با متفکر یا متفکران معاصر است؛ چراکه مقایسه ای از این دست، مقایسه ای مع الفارق محسوب می شود. در واقع هدف اصلی از ارائه این دو دسته نظریه در کنار یکدیگر آن است تا تفاوت های دو نحوه تفکر و نگرش، البته با در نظر گرفتن ابعاد تاریخی آن آشکار شود. اینک موضوع بحث با تشریح «نظریه فرهنگ توده ای» دنبال می شود.

نظریه فرهنگ توده ای

یکی از مهم ترین نظریات در عرصه مطالعات فرهنگ عامه، نظریه موسوم به «فرهنگ توده ای» است. مشهورترین نظریه پردازان آن عبارتند از مک دونالد، کیو.دی. لیویس، هوگارت، اف. آر. لیویس، بروکمن، و...؛ اما مهم ترین مباحثی که در این نظریه مورد توجه قرار گرفته است شامل این موارد می شود: نقش پیام گیران، نخبگان در برابر مردم توده، ذره گرایی، آمریکایی سازی، آموزش و پرورش، دموکراسی و... در ادامه سعی می شود به اجمال به این مباحث و ارتباط آن با اساس نظریه «فرهنگ توده ای» اشاره شود.¹

«فرهنگ توده ای» را همان فرهنگ عامه دانسته اند که با شیوه های صنعتی تولید و در بازار با سود به جمعیت انبوه مصرف کننده عرضه می شود؛ اما مهم ترین ادعای نظریه جامعه توده ای این است که فرایندهای صنعتی شدن و شهری شدن عواقب مخربی دارند. این نظریه معتقد است که صنعتی شدن و شهری شدن در جهت آنچه «ذره گرایی» نامیده می شود، بکار گرفته می شوند.

اصطلاح «ذره گرایی» اینگونه تشریح شده است که یک جامعه توده ای از مردمی تشکیل شده است که فقط می توانند مانند اتمها در فیزیک یا ترکیبات شیمیایی با هم ارتباط برقرار کنند. جامعه توده ای از افراد پراکنده تشکیل شده است، افرادی که هیچ نوع رابطه منسجم معنادار یا اخلاقی با یکدیگر ندارند. در فرایند ذره گرایی، افول سازمان های اجتماعی واسطه که از صنعتی شدن و شهری شدن ناشی شده است، نقش اساسی دارند (استریناتی، 1388: 28).

نظریه پردازان «فرهنگ توده ای» که از سویی معتقدند که «ذره گرایی» موجب تضعیف سازمان های اجتماعی نظیر روستا، خانواده و کلیسا می شود، از دیگر سو به نقد وضعیت دموکراسی و آموزش و پرورش می پردازند؛ چراکه در جامعه صنعتی این دو پدیده اهمیت و جایگاه قابل توجهی را به خود اختصاص داده است. در واقع نظریه «فرهنگ توده ای» می تواند این نظر را تقویت کند که دموکراسی و آموزش و پرورش رویدادهای مضر بوده اند زیرا به ایجاد بیمارگونه یک جامعه توده ای کمک کرده اند. در بدترین حالت این دو پدیده به فروپاشی تمایزات فرهنگی بین هنر و فرهنگ بومی از یک سو و فرهنگ توده ای از سوی دیگر منجر می شود (همان: 29-30).

موضوع رسانه های جمعی نیز در این نظریه با سلطه نهادهای قدرت و اعمال نظر آنان در ارتباط است. این نظریه تلاش می کند تا نشان دهد امکاناتی که برای تبلیغات عمومی بوجود آمده در واقع پتانسیلی است که برای طبقه ممتاز در استفاده از رسانه های جمعی جهت چاپلوسی، ترغیب، کنترل و استثمار مردم با روش های سازماندهی شده تر و گمراه کننده تری بوجود آمده است. آنچه در واقع به وقوع پیوسته این است که کسانی که نهادهای قدرت را کنترل می کنند به سلیقه توده ها متوسل می شوند تا بتوانند آنها را کنترل کنند (همان: 31). علاوه بر نگرانی های مذکور یکی از مهم ترین مشغله های فکری نظریه پردازان «فرهنگ توده ای»، هراس از آمریکایی سازی است؛ چراکه به نظر می رسد فرهنگ عامه آمریکا تمام عناصر نامطلوب فرهنگ توده ای را در بردارد. از آنجا که فرهنگ توده ای به اعتقاد عموم از تولید و مصرف انبوه کالاهای فرهنگی ناشی شده است، تقریباً به سادگی می توان آمریکا را مام فرهنگ توده ای دانست چون جامعه این کشور یک جامعه سرمایه داری است که با این فرایندها در ارتباط است (همان: 47).

تاکنون به اجمال درباره مهم ترین مباحث مطروحه در این نظریه یعنی ذره گرایی، دموکراسی و آموزش و پرورش، ترس از آمریکایی سازی صحبت به میان آمد، اینک به نگرش نظریه پردازان درباره نقش پیام گیران می پردازیم. پیام گیران در فرهنگ توده ای عبارت از توده یا جمعی هستند که تولیدات فرهنگ توده ای را مصرف می کنند. این پیام گیران توده ای از مصرف کنندگان منفعل قلمداد می شوند که در مقابل نفوذ مؤثر رسانه های جمعی آسیب پذیرند و بزودی در مقابل وسوسه خریدن کالاهایی که فرهنگ توده ای تولید می کند، تسلیم می شوند. این تصویر منعکس کننده توده ای است که تقریباً بدون تفکر و تأمل، با کنار گذاشتن تمامی آرزوهای سرنوشت سازش فریب فرهنگ توده ای و مصرف انبوه را می خورد (همان: 35).

استریناتی پس از پرداختن به جنبه های مختلف نظریه که نمونه های عمده آن از نظر گذشت، تلقی کلی خود از این نظریه را اینگونه بیان می کند که مفهوم فرهنگ توده ای با تولید و مصرف انبوه فرهنگ، خطراتی که

فرهنگ بومی و عالی را تهدید می کند و مناسبات بین بدبینی فرهنگی و نقشی که طبقه روشنفکر آوانگارد باید ایفا کند، در ارتباط است (همان:45).

در ازای مباحثی که مطرح شد انتقاداتی به اجزای مختلف این نظریه وارد دانسته اند نظیر اینکه این نظریه درک ناکافی از نقش پیام گیران در فرهنگ عامه دارد یا مسأله زبانی که در بعضی از توصیف های فرهنگ توده ای بکار رفته است، تمایز بین جماعت توده و نخبگان جامعه و از همه مهم تر، تظاهر به سخن گفتن از جانب مردم و ستودن اصالت فرهنگ آنها در مقایسه با تصنعی بودن فرهنگ توده ای. این انتقادات که خود در قالب نظریه ای قابل عرضه شدن است، سبب شده تا ارزش و اعتبار نظریه فرهنگ توده کم رنگ تر از گذشته به نظر رسد. اینک پس از طرح اجمالی این نظریه و شماری از انتقادات نسبت بدان به عمده ترین ویژگی های روش بیرونی در تشریح مسائل فرهنگی هندوستان می پردازیم تا از رهگذر توصیف، مقایسه ای تطبیقی با نظریه ای که از نظر گذشت صورت گیرد.

بیرونی و تحقیق ماللهند

وجوه متعدد مطالعه ابوریحان بیرونی درباره باورها و اعتقادات و سایر انحای فرهنگی جامعه هند در هزار سال پیش از این و حتی پیش تر از آن، سبب شده تا از وی به عنوان اندیشمندی با آراء نوین در عرصه مردم شناسی یاد شود. متفکری که از فراسوی قرن ها، همچون محققى متأخر ملاحظات فرهنگی متعددی را مورد مذاقه قرار می دهد. بیرونی با هوشمندی فصل آغازین اثر تحقیقی خود، تحقیق ماللهند، را به مسائل زبانی اختصاص داده است. امروزه با توجه به مطالعات نوین در عرصه زبانشناسی، مواردی از ملاحظات زبانی بیرونی نقض شده است؛ اما مهم ترین وجه تلقی بیرونی از مسائل زبانی، موضوع وجوه تنوع و تفاوت زبان ملل است. این تفاوت از زبان بیرونی بدین ترتیب اظهار شده است:

« اگر کسی بخواهد تباین لغت ما و هندیان را از میان بردارد کار آسانی نخواهد بود زیرا لغت هندیان بسیار وسیع و به لغت عرب شبیه است که یک چیز دارای نام های گوناگون می باشد و از هم مشتق و به اشیاء مختلف یک لفظ اطلاق می شود که برای فهم مقصود به ذکر قرائنی که صفات و اضافاتی بر آن لفظ افزوده شود، نیازمند هستیم و جز کسی که به لغت خبیر باشد نخواهد توانست معانی این الفاظ را بدون قیاس به ماقبل و ما بعد عبارت بدست آرد» (بیرونی، 1334: 8).

در باب دشواری کار بیرونی در ترجمه آثار هندی نظیر پاتانجل، که از جمله اصلی ترین منابع او نیز به شمار می آید، هلموت ریتر به نظر دانشمند هندشناسی از دانشگاه فرانکفورت استناد می کند که مطابق گفته وی، بیرونی در ترجمه اصطلاحات هندی به عربی، کاری دشوار پیش رو داشته؛ زیرا گاه وی در زبان عربی مصطلحاتی را که با اصل هندی معادل افتد نمی یافته است و ناگزیر اصطلاحاتی را که از علوم اسلامی گرفته بوده است بکار می بسته و در این راه گاه مصیب بوده است و گاه هم دچار لغزش شده؛ اما در بیشتر مواضع ترجمه بیرونی درست است و کمتر غلطی بدان راه یافته است. یکی از علل دشواری های متن پاتانجل را اسامی دانسته اند. اسم به دنبال اسم می آید و در متن نه فعل است و نه حرف؛ بنابراین خود هندیان نیز به شرح متن نیازمندند و بدین جهت پاتانجل شرح های متعدد چاپی یا خطی دارد. بیرونی نیز ناگزیر از مراجعه به پاره ای از شروح بوده و متن را با شرح درآمیخته است (ریتر، 1349: 29).

توجه بیرونی به تفاوت باورهای خواص و عوام از ویژگی های نوع نگاه مطالعاتی اوست. بیرونی دلایلی چند برای این نگرش خود برمی شمارد:

« علت اختلاف خواص و عوام، در همه ملل، این است که اذهان خواص همواره متوجه معقولات است و اشتیاق به اصول عقلی دارد ولی عوام به محسوسات قناعت می کنند و به مسائل کوچک و فرعی رضایت داده، از دقت گریزانند، به خصوص در مسائلی که فی نفسه مورد اختلاف و دور از اتفاق باشد» (بیرونی، 1334: 14).

سپس در موارد مختلف ضمن اشاره به باورها و عقاید، آراء خواص را از عوام جدا می کند. در این بین باید به این نکته اشاره کرد که بیرونی با دلیل منطقی ای که بدان اشاره شد، دلیل بنیادین تفاوت این دو نوع نگرش را ذکر کرده است و از ابراز باور ارزشی در این خصوص اجتناب ورزیده است. وی حتی درباره فلاسفه نیز، همه این قشر را با یک نگرش مورد ارزیابی قرار نمی دهد:

«... برخی از پیروان کوتاه نظر فلاسفه، گفته اند که چشم آبی است، گوش هوایی...» (همان، 27).

نگاه بی طرفانه بیرونی به مسائل پیش روی وی در حوزه مطالعات مردم شناسانه و فرهنگی، نکته ای است که مورد توجه بسیاری از محققان و متوغلان آثار وی قرار گرفته است. بیرونی با احترام، بصیرت و کنجکاوی درباره عقاید و مذاهب هندوان تحقیق کرده و تا حد امکان سعی داشته تا بی تعصبی و بی طرفی را حفظ کند. وی احساس برتری بر هندوان نکرد؛ بنابراین وقتی که وی عقاید و رسوم و آداب را که خلاف اسلام است مشاهده کرد، هندوان را سرزنش نکرد بلکه کوشش کرده است تا به علل آن پی ببرد (نساج، 1392: 77، به نقل از

کورویاناکی، 1353: 60). از این نوع نگاه بیرونی به مسائل سایر ملل به عنوان تساهل یاد کرده اند و کاترینا استنوی را بنیانگذار تساهل در مطالعات تطبیقی دانسته است (همان، 78).

جانب دیگری از خصوصیات مطالعات بیرونی را می توان به ابراز شک و تردید وی در پاره ای از مباحث علمی اختصاص داد. این موضوع، نه تنها خدشه ای به شخصیت علمی وی وارد نمی سازد که ارزشی مضاعف به نظریات او می دهد؛ چراکه هر مطالعه علمی ای مشحون از موارد مشکوک و مبهم است و اظهار اطلاع و اشراف بر همه مطالب ناشی از درک ناصحیح محقق است. بیرونی با شجاعت، نادانسته ها و مطالب مشکوک را به صورت پرسش با مخاطب خود در میان می گذارد و چنانچه حدس و فرضیه ای دارد، با ابراز تردید آن را بیان می کند:

« نمی دانم مقصود هندیان از اینکه به آسمان صوت نسبت می دهند چیست؟ و تصور می کنم این عقیده به گفته اومیرس، شاعر یونانی، شبیه باشد که دارندگان الحان هفتگانه، سخن می گویند و به آواز خوشی جواب می دهند» (بیرونی، 1334: 26).

بیرونی، مطالب خود را با استفاده از منابع معتبر مستند می سازد. این منابع آثاری از ملل مختلف از یونان تا هند و همینطور مذاهب گوناگون از مانی تا یهود و نصارا، را شامل می شود:

« فروریوس در کتاب خود به نام *افاضل فلسفه در طبیعت فلک گفتگو می کند...*»، « عقیده نویسنده کتاب *بلیناس* در علل اشیاء به این عقیده بسی مانند است»، « کلمه رب، در تورات و دفاتر پیوست آن، که در شمار کتب انبیاء می باشد» و « از اهل کتاب، مانویه با مسیحیان در اطلاق مزبور همداستانند. پیشوای آنان مانی، در کتاب *کنز الاحیاء*، راجع به این موضوع می گوید...» (همان: 23-22-24-26).

بهره مندی از منابع مختلف سبب شده تا تحقیقات بیرونی، جنبه تطبیقی به خود بگیرد و این ارزش مطالعات او را دو چندان می کند. همواره مشاهده اشتراکات و وجوه تمایز میان فرهنگ های مختلف، ظرفیت تجزیه و تحلیل محققان را بیشتر می کند و چه بسا یکی از مهم ترین دلایل غنای نگرش فکری بیرونی همین موضوع باشد. اهمیتی که بیرونی برای آثار و مستندات علمی قائل است را می توان با دنبال کردن مسائل پیرامون وی به راحتی اثبات کرد. بیرونی در دوران محمود غزنوی و در رکاب وی بارها به هندوستان سفر کرده و این مباشرت و نزدیکی بر کسی پوشیده نیست. از سویی همگان بر مخالفت و انکار محمود غزنوی با جریان فکری و مذهبی اسماعیلی اشراف دارند، با اینهمه این موضوع مانع از مراجعه بیرونی بر متون و آثار بنیادین اسماعیلی نمی شود و جالب آنکه این استناد او فارغ از تعصباتی است که در پیرامون وی جریان دارد:

« ابویعقوب سجزی در کتاب خود که کشف المحجوب نامیده می شود، می گوید: انواع محفوظ است و تناسخ از هریک به نوع دیگر تعدی نمی یابد» (همان:46).

در کنار ذکر مطالب متنوع و تحلیلی، بیرونی جابجا از آوردن مثال های عینی جهت تشریح مسائل فلسفی و انتزاعی خودداری نمی کند و با ارائه این نمونه ها مطالب دشوار را برای مخاطب سهل الوصول و قابل درک می سازد:

«...نفس را به رقاصه ای تشبیه کرده اند که در این کار ماهر باشد و اثر حرکت و سکون را در رقص خود بداند» (همان:30) و « یا مانند دوستانی که در بیابان دزد به آنها بزند و همه بگریزند جز مردی زمین گیر و کوری از این جمع باقی نماند» (همان:31).

با توجه به مطالبی که از نظر گذشت صبغة علمی تفکر بیرونی کاملاً ملموس است و با استناد به جنبه های مختلف نگاه علمی بیرونی قابل درک است که چرا حتی امروزه محققان به متن آثار وی از جمله اثر قابل اعتنای تحقیق ماللهند به عنوان سند متقنی در اثبات نظریاتشان رجوع می کنند.²

نتیجه

مقاله حاضر با تفکیک بحث، ذیل دو عنوان کلی یعنی «نظریه فرهنگ توده» و «بیرونی و تحقیق ماللهند»، در وهله نخست سعی در توصیف این دو مبحث بصورت جداگانه داشته است. در واقع دلیل انتخاب این دو موضوع از جانب نگارنده آن بوده است تا نحوه مواجهه با مقوله فرهنگ عامه در یک نگرش علمی مبتنی بر نظرات اندیشمندان متأخر از سویی و روش و ملاحظات ابوریحان بیرونی به عنوان اندیشمندی متقدم و در عین حال پیشرو از سویی دیگر به نمایش گذاشته شود و ذهنیت مخاطب پس از مطالعه مطالب خود به نقد و مقایسه این دو نگاه و روش بپردازد.

«نظریه فرهنگ توده» چنانچه گذشت بر پایه نظرات متفکران و صاحب نظرانی چون مک دونالد، کیودی، لیویس، هوگارت، اف. آر. لیویس، بروکمن، و... شکل گرفته است و به مفاهیمی چون ذره گرایی، دموکراسی و آموزش و پرورش، جماعت توده و نخبگان، ترس از آمریکاگرایی، نقش پیام گیران و... می پردازد. عمده ترین انتقادات به این نظریه به تمایزی برمی گردد که صاحب نظران بین جماعت توده و نخبگان قائل هستند و در این نگاه جماعت توده را گروهی از مصرف کنندگان منفعل قلمداد می کنند و در واقع در این بخش نظریه به دام نگرشی ارزشی می افتد. این در حالی است که ضمن اشاره به نظرات بیرونی، آنگاه که وی عقاید مردم را به دو دسته باورهای عوام و خواص تقسیم می کند، با استناد به نظر بیرونی، اثبات شد که وی در این خصوص نگرشی ارزشی ندارد و با دلایل متقن سعی در ذکر علل واقعی نوع باورها دارد.

در موضع دیگر زمانی که در نظریه «فرهنگ توده ای» سخن از ترس آمریکایی سازی به میان می آید، نگرانی نسبت به «دیگری» در قالب نظریه کاملاً مشهود است؛ در حالی که بیرونی از اعماق تاریخ سعی در کمرنگ کردن نگاه انکارآمیز نسبت به مفهوم «دیگری» و «بیگانه» دارد.

موارد مقایسه ای را از درون این مباحث می توان به تفصیل استخراج کرد؛ اما نگارنده تنها به ذکر این موارد بسنده می کند تا مخاطبان خود با مطالعه مطالب و اعمال نگرش نقادانه، به نتایج مورد نظر برسند.

¹ - عمده مطالب درباره ی نظریه ی فرهنگ توده ای از اثر دومینیک استریناتی به نام مقدمه ای بر نظریه های فرهنگ عامه، اخذ شده است.

² - ر.ک. مقاله «سنجش ماللهند ابوریحان بیرونی بر اساس مؤلفه های شرق شناسی ادوارد سعید» نگارش حمید نساج

فهرست منابع

- استریناتی، دومینیک (1388). مقدمه ای بر نظریه های فرهنگ عامه، ترجمه ثریا پاک نظر، گام نو، چاپ پنجم.
بیرونی، ابوریحان (1334). ترجمه تحقیق ماللهند، ترجمه اکبر دانا سرشت، چاپ تابان.
ریتر، هلموت (خرداد 1349). «ترجمه ابوریحان بیرونی از کتاب پاتانجل»، مجله معارف اسلامی، شماره 11،
صص 27-31.
- نساج، حمید (بهار و تابستان 1392). «سنجش ماللهند ابوریحان بیرونی بر اساس مؤلفه های شرق شناسی ادوارد
سعید»، مجله دانش سیاسی، شماره 17، صص 75-86.